



تاریخ فرهنگ ایران (۱)

(رشته مدیریت جهانگردی)

دکتر صالح امین پور

امروزه کتاب‌خوانی و علم‌آموزی، نه تنها یک وظیفه‌ی ملی، که یک واجب دینی است.

مقام معظم رهبری

در عصر حاضر یکی از شاخصه‌های ارزیابی رشد، توسعه و پیشرفت فرهنگی هر کشوری میزان تولید کتاب، مطالعه و کتاب‌خوانی مردم آن مرز و بوم است. ایران اسلامی نیز از دیرباز تاکنون با داشتن تمدنی چندهزارساله و مراکز متعدد علمی، فرهنگی، کتابخانه‌های معتبر، علما و دانشمندان بزرگ با آثار ارزشمند تاریخی، سرآمد دولت‌ها و ملت‌های دیگر بوده و در عرصه‌ی فرهنگ و تمدن جهانی به‌سان خورشیدی تابناک همچنان می‌درخشد و با فرزندان نیک‌نهاد خویش هنرنمایی می‌کند. چه کسی است که در دنیا با دانشمندان فرزانه و نام‌آور ایرانی همچون ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، فارابی، خوارزمی و ... همچنین شاعران برجسته‌ای نظیر فردوسی، سعدی، مولوی، حافظ و ... آشنا نباشد و در مقابل عظمت آنها سر تعظیم فرود نیاورد. تمامی این افتخارات ارزشمند، برگرفته از میزان عشق و علاقه فراوان ملت ما به فراگیری علم و دانش از طریق خواندن و مطالعه منابع و کتاب‌های گوناگون است. به شکرانه‌ی الهی، تاریخ و گذشته ما، همیشه درخشان و پربار است. ولی اکنون در این زمینه در چه جایگاهی قرار داریم؟ آمار و ارقام ارائه‌شده از سوی مجامع و سازمان‌های فرهنگی در مورد سرانه‌ی مطالعه‌ی هر ایرانی، برایمان چندان امیدوارکننده نمی‌باشد و رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز از این وضعیت بارها اظهار گله و ناخشنودی نموده‌اند.

کتاب، دروازه‌ای به سوی گستره‌ی دانش و معرفت است و کتاب خوب، یکی از بهترین ابزارهای کمال بشری است. همه‌ی دستاوردهای بشر در سراسر عمر جهان تا آنجا که قابل کتابت بوده است، در میان دست‌نوشته‌هایی است که انسان‌ها پدید آورده و می‌آورند. در این مجموعه‌ی بی‌نظیر، تعالیم الهی، درس‌های پیامبران به بشر، و همچنین علوم مختلفی است که سعادت بشر بدون آگاهی از آنها امکان‌پذیر نیست. کسی که با دنیای زیبا و زندگی‌بخش کتاب ارتباط ندارد بی‌شک از مهم‌ترین دستاوردهای انسانی و نیز از بیشترین معارف الهی و بشری محروم است. با این دیدگاه، به‌روشنی می‌توان ارزش و مفهوم رمزی عمیق در این حقیقت تاریخی را دریافت که اولین خطاب خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام (ص) این است که «بخوان!» و در اولین

سوره‌ای که بر آن فرستاده‌ی عظیم‌الشأن خداوند، فرود آمده، نام «قلم» به تجلیل یاد شده‌است: «اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» در اهمیت عنصر کتاب برای تکامل جامعه‌ی انسانی، همین بس که تمامی ادیان آسمانی و رجال بزرگ تاریخ بشری، از طریق کتاب جاودانه مانده‌اند.

دانشگاه پیام‌نور با گستره‌ی جغرافیایی ایران‌شمول خود با هدف آموزش برای همه، همه‌جا و همه‌وقت، به‌عنوان دانشگاهی کتاب‌محور در نظام آموزش عالی کشورمان، افتخار دارد جایگاه اندیشه‌سازی و خردورزی بخش عظیمی از جوانان جویای علم این مرز و بوم باشد. تلاش فراوانی در ایام طولانی فعالیت این دانشگاه انجام پذیرفته تا با بهره‌گیری از تجربه‌های گرانقدر استادان و صاحب‌نظران برجسته کشورمان، کتاب‌ها و منابع آموزشی درسی شاخص و خودآموز تولید شود. در آینده هم، این مهم با هدف ارتقای سطح علمی، روزآمدی و توجه بیشتر به نیازهای مخاطبان دانشگاه پیام‌نور با جدیت ادامه خواهد داشت. به‌طور قطع استفاده از نظرات استادان، صاحب‌نظران و دانشجویان محترم، ما را در انجام این وظیفه‌ی مهم و خطیر یاری‌رسان خواهد بود. پیشاپیش از تمامی عزیزانی که با نقد، تصحیح و پیشنهادهای خود ما را در انجام این وظیفه‌ی خطیر یاری می‌رسانند، سپاسگزاری می‌نماییم. لازم است از تمامی اندیشمندانی که تاکنون دانشگاه پیام‌نور را منزلگاه اندیشه‌سازی خود دانسته و ما را در تولید کتاب و محتوای آموزشی درسی یاری نموده‌اند، صمیمانه قدردانی گردد. موفقیت و بهروزی تمامی دانشجویان و دانش‌پژوهان عزیز آرزوی همیشگی ما است.

دانشگاه پیام‌نور

فهرست مطالب

مقدمه

۱	فصل اول: فرهنگ و ویژگی‌های فرهنگی
۱	۱-۱ فرهنگ؛ چیستی و چرایی آن
۴	۲-۱ تفاوت فرهنگ با تمدن
۹	فصل دوم: تاریخ و فرهنگ ایران در پیش از تاریخ و دوران اساطیری
۱۰	۱-۲ تاریخ و فرهنگ ایران در پیش از تاریخ
۱۶	۲-۲ تاریخ و فرهنگ ایران در دوره اساطیری
۱۶	۱-۲-۲ اسطوره
۱۷	۲-۲-۲ حماسه
۱۷	۳-۲-۲ افسانه
۱۸	۳-۲ پیشدادیان
۲۱	۴-۲ کیانیان
۲۲	۱-۴-۲ کی قباد (کی کوات)
۲۲	۲-۴-۲ کی کاوس
۲۳	۳-۴-۲ کی خسرو
۲۴	۵-۲ ارزش‌ها در فرهنگ ایران دوره اساطیری
۲۶	خودآزمایی
۲۹	فصل سوم: ادیان ایرانی؛ افسانه یا تاریخ
۳۰	۱-۳ ادیان طبیعی؛ توت‌م‌پرستی
۳۱	۲-۳ مهرپرستی (میترائیسم)
۳۳	۱-۲-۳ آیین‌های مهرپرستی

۳۴	۲-۲-۳ ویژگی‌های اخلاقی مهرپرستی
۳۵	۳-۳ زرتشت و زرتشتی‌گری
۳۷	۱-۳-۳ آموزه‌های زرتشت
۳۸	۲-۳-۳ اوستا
۳۹	خودآزمایی

۴۱	فصل چهارم: تاریخ و فرهنگ از ایلامی‌ها تا آغاز حکومت مادها
۴۲	۱-۴ ایلامی‌ها
۴۳	۱-۱-۴ دوران تاریخی
۴۴	۲-۱-۴ فرهنگ و تمدن ایلام
۴۸	۲-۴ آریایی‌ها
۴۹	۱-۲-۴ ورود آریایی‌ها به ایران
۵۱	۲-۲-۴ خصوصیات اخلاقی آریایی‌ها
۵۲	۳-۲-۴ خانواده اولیه آریایی
۵۴	خودآزمایی

۵۷	فصل پنجم: تاریخ و فرهنگ ایران از آغاز مادها تا پایان هخامنشیان
۵۸	۱-۵ مادها
۶۰	۲-۵ فرهنگ ایران در دوره مادها
۶۰	۱-۲-۵ زبان و خط
۶۰	۲-۲-۵ هنر مادها
۶۱	۳-۲-۵ دین و آیین‌های مربوط به آن
۶۲	۴-۲-۵ چگونگی دفن مردگان و گور دخمه‌ها
۶۲	۵-۲-۵ معماری
۶۳	۳-۵ هخامنشیان؛ امپراتوری پارس‌ها بر جهان
۶۷	۱-۳-۵ جنگ‌های ایران و یونان
۷۰	۲-۳-۵ اقتصاد دوره هخامنشی
۷۲	۳-۳-۵ فرهنگ ایران در دوره هخامنشیان
۷۶	۵-۳-۵ داد و دادگستری
۷۹	۶-۳-۵ پوشش در دوره هخامنشی
۷۹	۷-۳-۵ هنر و معماری
۸۰	۸-۳-۵ خط
۸۱	۹-۳-۵ رونق اقتصادی
۸۱	خودآزمایی

۸۳	فصل ششم: فرهنگ ایران از ابتدای سلوکیان تا سقوط اشکانیان
۸۴	۱-۶ اسکندر و ایران
۸۶	۲-۶ سلوکیان؛ اولین ضربه فرهنگی

۸۸	۱-۲-۶ تحولات فرهنگی ایران در زمان سلوکیان
۸۹	۲-۲-۶ فرهنگ ایرانیان دوره سلوکی
۹۱	۳-۶ اشکانیان؛ در بین حماسه و تاریخ
۹۲	۱-۳-۶ فرهنگ دوره اشکانی
۹۹	خودآزمایی

۱۰۱	فصل هفتم: تاریخ و فرهنگ ساسانیان
۱۰۲	۱-۷ تاریخ سیاسی
۱۰۶	۲-۷ فرهنگ و تمدن
۱۰۷	۱-۲-۷ رسمی شدن دین زرتشت
۱۰۸	۲-۲-۷ روحانیون زرتشتی
۱۱۰	۳-۲-۷ خانواده و فرهنگ ازدواج
۱۱۳	۴-۲-۷ مقام زن در اوستا
۱۱۳	۵-۲-۷ آموزش و پرورش
۱۱۴	۶-۲-۷ خط و کتابت
۱۱۵	۷-۲-۷ جشن‌های دوره ساسانی
۱۱۶	۳-۷ آیین مانوی
۱۱۶	۴-۷ جنبش مزدک
۱۱۷	۱-۴-۷ علل قیام مزدک
۱۱۷	۵-۷ فتوداليسم ساسانی
۱۱۸	۶-۷ هنر، معماری و صنایع ساسانی
۱۱۹	۱-۶-۷ معماری
۱۲۱	۲-۶-۷ بناهای مذهبی
۱۲۱	۳-۶-۷ نقاشی
۱۲۲	خودآزمایی

۱۲۵	فصل هشتم: ورود اسلام به ایران و روند گراییدن ایرانیان به اسلام
۱۲۶	۱-۸ گذر از ایران باستان؛ ورود به ایران اسلامی
۱۲۷	۲-۸ فتح ایران، مهاجرت اعراب و پیامدهای فرهنگی آن
۱۳۰	۱-۲-۸ استقرار مسلمانان در ایران
۱۳۲	۲-۲-۸ پیامدهای مهاجرت اعراب به ایران
۱۳۳	۳-۸ اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در سده‌های نخست اسلامی
۱۳۸	۴-۸ گراییدن ایرانیان به اسلام و امتزاج فرهنگ ایرانی-اسلامی
۱۴۲	۵-۸ ایرانی‌ها و فرهنگ اسلامی
۱۴۶	۶-۸ جنبش شعوبیه
۱۴۸	خودآزمایی

۱۵۱	فصل نهم: عصر زرین فرهنگ ایران: ظهور حکومت‌های ایرانی
۱۵۲	۱-۹ طاهریان

۱۵۳	۹-۱-۱ علاقه طاهریان به فرهنگ و ادب
۱۵۳	۹-۲ صفاریان
۱۵۶	۹-۲-۱ اقدامات فرهنگی صفاریان
۱۵۶	۹-۳ علویان طبرستان
۱۵۸	۹-۴ آل زیار
۱۵۹	۹-۴-۱ حمایت آل زیار از علما و دانشمندان
۱۶۰	۹-۴-۲ فرهنگ و حضور اجتماعی از دیدگاه عنصرالمعالی
۱۶۲	۹-۵ سامانیان
۱۶۴	۹-۵-۱ زبان فارسی در دوره سامانیان
۱۶۵	۹-۵-۲ آداب و رسوم دوره سامانی
۱۶۶	۹-۶ آل بویه
۱۶۷	۹-۶-۱ احیای فرهنگی ایران در دوره آل بویه
۱۶۹	۹-۶-۲ ابن سینا و زیربنای اعتلای فرهنگی
۱۷۱	۹-۷ غزنویان
۱۷۳	۹-۷-۱ فرهنگ و سیاست در عصر غزنوی
۱۷۴	۹-۸ سلجوقیان
۱۷۶	۹-۸-۱ خواجه نظام الملک طوسی و فرهنگ ایرانی - اسلامی
۱۷۸	۹-۸-۲ مدارس نظامیه و نقش آن در تحولات فرهنگی
۱۷۹	۹-۸-۳ دیدگاه‌های فرهنگی، تربیتی امام غزالی
۱۸۱	۹-۹ اسماعیلیان ایران
۱۸۴	۹-۹-۱ فرهنگ و سیاست در دوره اسماعیلیان
۱۸۵	۹-۱۰ خوارزمشاهیان
۱۸۸	۹-۱۰-۱ فرهنگ در دوره خوارزمشاهیان
۱۸۸	خودآزمایی
۱۹۱	فصل دهم: اوضاع فرهنگی، اجتماعی ایران از ورود اسلام تا حمله مغول
۱۹۲	۱۰-۱ نقش ایرانیان در ساخت و اعتلای فرهنگ ایرانی - اسلامی
۱۹۷	۱۰-۲ آموزش در خدمت دین اسلام
۲۰۱	۱۰-۳ زن، خانواده و تربیت
۲۰۱	۱۰-۳-۱ تأثیر فرهنگ اسلامی در موقعیت زن ایرانی
۲۰۲	۱۰-۳-۲ نام‌گذاری و تربیت
۲۰۴	۱۰-۴ عرفان و تصوف
۲۰۸	۱۰-۵ ادبیات فارسی و ادیبان ایرانی
۲۱۲	۱۰-۶ تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاران
۲۱۵	۱۰-۷ بازتاب فرهنگ ایرانی - اسلامی در هنر و معماری ایران (از قرن اول تا هفتم ه.ق)
۲۱۹	خودآزمایی
۲۲۱	فرجام سخن
۲۲۳	کتاب‌نامه

مقدمه

آنچه در کنار فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، بالندگی بیشتری به صاحبانش می‌دهد، فرهنگ هر اجتماع است. اگر فرهنگ یک جامعه دارای پشتوانه قوی و قابل دفاع و قابل اتکا باشد، پیروان آن فرهنگ ضمن آنکه حرفی برای گفتن دارند به گذشته فرهنگی خود افتخار می‌کنند و آنچه را که بیشتر تمایل به تکرارش دارند، جلوه‌های زیبایی انسانی و فرهنگی است.

شخصیت‌ها، کتاب‌ها، هنر و موسیقی، خانه و خانواده، تربیت و تعلیم، در هر دوره خاصی با توجه به شرایط زندگی انسان‌ها متفاوت بوده و در طول تاریخ، هر دوره‌ای به نسبت دوره‌های قبلی، نظر به تأثیر خصوصیات دینی، اجتماعی، ملل همسایه، تجربه نسل‌ها، کم و کاستی و افزایش و صعودهایی داشته است تا در نهایت در اجتماع زمان خود مصرف عام داشته باشد. این خصوصیات فرهنگی بخش مهم و انکارناپذیر تاریخ یک ملت است که دانستن آن برای هر جوینده‌ای مناسب است، گرچه ندانستنش ایراد بزرگی نیست.

قرن حاضر قرن ارتباطات، نموده‌ها، بازخوردها، تبلیغ و ترویج فرهنگ‌های مختلف است. در این فضای جنجالی فرهنگی، شناساندن ویژگی‌های پربار و غنی و سرشار از خصوصیات نیک انسانی کشورمان- ایران- به جهانیان از جایگاه و اهمیت والایی برخوردار است.

آنچه برای نسل امروز شایسته توجه است، جدا از سیر تحولات تاریخی، اجتماعی و اقتصادی، مباحث فرهنگی و داشته‌های ارزشمند گذشته است.

در این کتاب سعی شده است تاریخ سیاسی و فرهنگی دوره‌های سکونت انسان در ایران از ابتدای سکونت تا آغاز حمله مغول (مطابق سرفصل وزارت علوم، تحقیقات و فناوری) تهیه شود.

از آنجایی که همه رویدادهای فرهنگی، برگرفته از چگونگی آن رویداد در دربار پادشاهان و حکمرانان بوده است و همه تاریخ ایران براساس دوره حکمرانی سلسله‌ها تقسیم‌بندی شده است، بنابراین خلاصه تاریخ سیاسی هر دوره و شناختن سلسله‌ها و شاهان، برای پی بردن به فهم رویدادهای فرهنگی در آغاز هر فصل گنجانده شده است. آنچه بیشتر از همه در این کتاب اهمیت دارد، مباحث فرهنگی ایران در زمان‌های مشخص شده است، به آن جهت که راهی که ما در آن در حال حرکت هستیم، در پشت سر، هم وجود داشته است.

دکتر صالح امین‌پور
استادیار دانشگاه پیام‌نور

فصل اول

فرهنگ و ویژگی‌های فرهنگی

اهداف کلی

آشنایی دانشجو با:

۱. تعریف فرهنگ و تمدن، ویژگی‌های فرهنگی و دیدگاه‌های کلی و جزئی صاحب‌نظران درخصوص هر کدام از عناصر فرهنگی و مشخصه‌های آن
۲. اهمیت و جایگاه فرهنگ و تمدن در زندگی بشری

اهداف یادگیری

دانشجو پس از مطالعه این فصل می‌تواند:

۱. فرهنگ و تمدن را از نظر لغوی و اصطلاحی تعریف کند.
۲. دلیل اهمیت فرهنگ و توجه به آن را در دوره معاصر دریابد.
۳. تفاوت فرهنگ و تمدن و انواع فرهنگ و خرده‌فرهنگ را درک کند.
۴. در تحولات جدید جهانی که مبتنی بر رقابت و گاه ستیز و جنگ فرهنگی است، اهمیت این بخش را دریابد.

۱-۱ فرهنگ؛ چیستی و چرایی آن

برای آشنایی با فرهنگ هر دوره خاص و هر اجتماع منفرد یا وابسته، ابتدا لازم است توضیحی درباره فرهنگ، ویژگی‌ها و عناصر تشکیل‌دهنده آن ارائه شود. این توضیح از

آن جهت بیشتر الزام پیدا می‌کند که در منابع، مدارک و حتی در ذهنیت بیشتر افراد، فرهنگ و تمدن از یک حوزه با دو نام متفاوت هستند. بنابراین برای آنکه مشخص شود دقیقاً به دنبال بررسی چه چیزهایی هستیم ابتدا به تعریف این کلمه می‌پردازیم. واضح است که از زمانی که مباحث فرهنگ و تمدن مطرح بوده‌است تا به امروز، اکثر صاحب‌نظران تعاریفی مطابق دانش و حوزه اطلاعاتی خود از آنها ارائه نموده‌است و با گذشت زمان بر پیچیدگی، تنوع، بررسی جوانب و مؤلفه‌های دربرگیرنده هر کدام افزوده شده‌است. شاید بتوان یکی از دلایل این تنوع و پیچیدگی‌ها را تا حد زیادی از تنوع در کلمات و واژه‌های دامنه‌دار علوم انسانی و شیوه کاربرد آن از طرف صاحب‌نظران این شاخه از علوم دانست، تنوعی که باعث شده‌است در هر کدام از شاخه‌های مختلف علوم انسانی از قبیل فلسفه، تاریخ، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی برای اصطلاحات پرکاربرد، مفاهیم مختلفی را به‌کار برده و گاه تا جایی پیش بروند که تعاریف همدیگر از آن اصطلاح موردنظر را رد نمایند.

در بحث فرهنگ نیز، نظر به قدمت، جامعیت و فراگیری آن، تعاریف مختلفی از دیدگاه‌های متفاوت ارائه شده و این تعاریف از طرف بقیه افراد و گروه‌ها در طول زمان تکمیل یا رد شده‌است.

در شاهنامه فردوسی فرهنگ به معانی مختلفی از قبیل رأی، حکمت، دانش، بینش، معرفت، ادب، تربیت و پرورش آمده‌است^۱ که در فرهنگ معین نیز همین تعاریف به اضافه مجموعه آداب و رسوم و مجموعه علوم و معارف و هنرهای یک قوم (فرهنگ معین، ج ۲: زیر واژه فرهنگ) آورده شده‌است.

گرچه این تعاریف در زبان فارسی ارائه شده‌است، اما آنچه امروزه به‌عنوان فرهنگ تعریف می‌شود، ترجمه یا اقتباسی از تعاریف خارجی است. آنچه هم در زبان‌های خارجی ارائه شده، دارای تنوعی به اندازه تمامی ملت‌ها و زبان‌های روی کره زمین است. چنان که دو محقق انگلیسی در یک کتاب، یکصد و شصت و چهار تعریف (سلیمی، ۱۳۷۹: ۴) از فرهنگ ارائه داده‌اند. تنوع تعاریف باعث شده‌است که گروهی از فرهنگ‌پژوهان اروپایی معاصر این واژه را «یکی از دو سه واژه بسیار پیچیده در زبان

۱. برای اطلاع نک شاهنامه؛ داستان بهرام گور، در تربیت شاپور پسر اردشیر، داستان اردشیر پاکان، داستان منوچهر و اندرز دادن به سام در پرورش فرزند، نامه گشتاسب به رستم و

فرهنگ و ویژگی‌های فرهنگی ۳

انگلیسی» (میلز و براویت، ۱۳۸۵: ۹) بدانند.

همه این معانی مختلف در زبان‌های اروپایی از واژه لاتینی Cultivate ریشه گرفته که این واژه خود دارای معانی متعددی است که یکی از آنها دربرگیرنده کشت و زرع زمین و پرورش (زنبورعسل، ماهی، کرم ابریشم و...) است. در این مفهوم، پرورش، عمل‌آوری و رشد وجود دارد و همین جنبه از مفهوم فرهنگ است که به حوزه انسانی و اجتماعی راه یافته است (گل‌محمدی، ۱۳۸۶: ۱۲۳-۱۲۲).

برای جلوگیری از سردرگمی خوانندگان در هر سطحی، نیازمند ارائه تعریفی از فرهنگ هستیم. با بررسی و نقد تعریف‌های متنوع از واژه فرهنگ، در نهایت اکثر پژوهشگران تعریف تایلر را به‌عنوان جامع‌ترین آنها پذیرفته‌اند بر اساس دیدگاه تایلر که در سال ۱۸۷۱ میلادی منتشر شده است: «فرهنگ به معنای وسیع و قوم‌شناسانه کلمه، به کلیت پیچیده‌ای اطلاق می‌گردد که مشتمل است بر دانش‌ها، باورها، هنر، اخلاقیات، قوانین، آداب و رسوم و تمام انواع دیگر توانایی‌ها و عاداتی که آدمی به‌عنوان عضو جامعه کسب کرده است» (بشیریه، ۱۳۸۶: ۹).

با دقت در تعریف فوق جزئیاتی از ویژگی‌های اجتماعی هر قوم یا گروه را مشاهده می‌کنیم که تقریباً در همه جوامع به اشکال مختلفی وجود دارد. بنابراین مطابق نظر تایلر می‌توان فرهنگ‌های جوامع مختلف را با هم سنجید و تفاوت‌ها و شباهت‌های هر کدام را شناخت.

پر واضح است که هر چیز اکتسابی فرهنگ نیست و فرهنگ نیز همه‌ی اکتسابی‌ها را دربرنمی‌گیرد، بلکه شامل حوزه‌ی گسترده‌ای از همه فعالیت‌های انسانی از قبیل، دین، هنر، علم، آموزش و ورزش است.

هرچه در معنا و حوزه کارکرد فرهنگ بیشتر کاوش می‌کنیم صورت‌هایی از مکانیسم‌های اجتماعی و انسانی را می‌بینیم که در همه‌ی جوامع و نقاط، البته به صورت‌های مختلف وجود دارد، آداب و رسوم از قبیل دین، هنر، ادبیات، معماری و صنعت و عناصری از این قبیل، مؤلفه‌های فرهنگی و جلوه‌های آن را دربرمی‌گیرد.

در بررسی کلی می‌بینیم که هر کشوری شامل چندین فرهنگ است و در پایین‌تر از آن، ملیت‌های موجود در یک کشور هم دارای فرهنگ‌های مخصوص به خود هستند. فرهنگ‌ها می‌توانند کوچک‌تر از ملت‌ها باشند هرچند مردمی که در یک کشور زندگی

می‌کنند در یک سنت فرهنگی ملی سهیم‌اند، ولی همه فرهنگ‌ها در داخلشان تنوع دارند. افراد، خانواده‌ها، اجتماعات، مناطق، طبقات و گروه‌های درون یک فرهنگ تجارب آموزشی متفاوت و مشترکی دارند (کناک، ۱۳۸۶: ۳۷۸).

با این وضعیت نمی‌توان برای هیچ کشوری یک فرهنگ پذیرفته شده عمومی را شناسایی کرد و از فرهنگ سایر جوامع موجود در آن محدوده سیاسی غافل بود. در مطالب آینده این کتاب مجبوریم به عناصری از فرهنگ ایران اشاره کنیم که به‌عنوان فرهنگ غالب پذیرفته شده است و از منابعی که اکثراً رویدادهای مربوط به گروه خاصی را بازگو کرده‌اند استفاده کنیم، بنابراین از جوامع فاقد امکانات ثبت تاریخ و رویدادهای فرهنگی غافل می‌شویم، گروه‌هایی که مطابق نظر جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان دارای فرهنگی ویژه هستند و در اصطلاح به آن نام «خرده فرهنگ» اطلاق می‌شود.

زمانی که از فرهنگ ایران در دوره هخامنشیان صحبت می‌شود، نشانی از فرهنگ‌های همه‌ی آن بیست و چهار ملتی که داریوش جزو زیردستان خود نام می‌برد نیست و زمانی که از فرهنگ ایران در دوره سلجوقیان صحبت می‌شود از فرهنگ اقوام زیردست طبقه حاکم شامل پارس‌ها، کردها، عرب‌ها، مازنی‌ها، بلوچ‌ها و سایر ملل، غافل می‌شویم. در زیرمجموعه‌ای از فرهنگ‌های فوق نیز به مطالب جزئی‌تری برخورد می‌کنیم، به‌عنوان مثال در میان کردها هم، خرده فرهنگ‌هایی مانند فرهنگ سورانی، اورامی، کلهری، شکاک، مکری و... وجود دارد و اگر بخواهیم به فرهنگ یک دوره خاص تاریخی - مانند سلجوقیان - پردازیم هم از خرده فرهنگ اقوام غافل می‌شویم و هم از زیرمجموعه آن خرده فرهنگ.

با این توضیحات پرداختن به جنبه‌هایی از فرهنگ امکان‌پذیر است که کلی و مورد توافق همگان بوده و یا دست کم آثاری از آنها در منابع تاریخی باقی مانده است.

۱-۲ تفاوت فرهنگ و تمدن

تمدن در زبان‌های اروپایی معادل کلمه Civilization است که معنی شهر و شهری در آن نهفته است. این واژه نیز مانند فرهنگ از مجموع کلماتی است که هنوز تعریف دقیقی که مورد پسند همگان باشد در موردش ارائه نشده است. در زبان‌های فارسی و

فرهنگ و ویژگی‌های فرهنگی ۵

عربی تمدن از مدینه به معنی شهر گرفته شده و معنی آن شهرنشین شدن، به آداب و اخلاق شهریان خو گرفتن و همکاری افراد یک جامعه در امور اجتماعی، اقتصادی، دینی، سیاسی و... است (محمودی بختیاری، ۱۳۸۶: ۲۵).

متفکران غربی نظر به عناصر تمدن، تعاریف مختلفی از آن ارائه نموده‌اند. ویل دورانت در یک جا تمدن را ترکیبی از امنیت و فرهنگ و نظم و آزادی (ویل دورانت، ۱۳۸۰: ۲۹۸) معرفی کرده است. و در جای دیگری معتقد است که تمدن را می‌توان به شکل کلی عبارت از نظم اجتماعی دانست که در نتیجه وجود آن خلاقیت فرهنگی امکان‌پذیر می‌شود و جریان پیدا می‌کند. در تمدن چهار رکن و عنصر اساسی می‌توان تشخیص داد که عبارتند از: پیش‌بینی و احتیاط در امور اقتصادی، سازمان سیاسی، سنن اخلاقی و کوشش در راه معرفت و بسط هنر (ویل دورانت، ۱۳۶۵: ۳).

این تعاریف، تفاوت‌هایی را با محدوده فرهنگ مشخص می‌سازد، چنان که گفته شد در فرهنگ مسائل سیاسی و اقتصادی وجود ندارد و اما در تعریف اول، فرهنگ به‌عنوان بخشی از تمدن قلمداد شده است. یعنی تمدن گسترده‌تر و بزرگ‌تر از فرهنگ است.

در جای دیگری نیز همین ویژگی اظهار شده است. بر طبق این تعریف تمدن ملازم با افول دستگاه‌های محلی مالیات ستانی و خودمختاری سیاسی محلی و ملازم با وحدت فرهنگی و افتر کشورها در نظر گرفته شده است (کرامبی و دیگران، ۱۳۷۰: ۶۶). در این تعریف نیز تمدن و فرهنگ دو مقوله جدا از هم به حساب آمده‌اند و فرهنگ جزئی‌تر اما به‌عنوان بخشی از تمدن محاسبه شده است. گرچه همه تعاریف این گونه نیست، اما در پاره‌ای از تعاریف این دو واژه معادل هم قرار داده شده است. چنان که به نظر لالاند تمدن عبارت است از مجموع پدیدارهای اجتماعی با طبیعت و خصلت قابل انتقال که خصیصه‌های مذهبی، اخلاقی، ذوق و زیبایی، تکنیک یا عملی را نشان می‌دهد و مشترک برای همه قسمت‌های جامعه‌ای وسیع، یا چندین جامعه مرتبط است (لالاند، ۱۳۷۷: ۱۱۲).

در این تعریف همه ویژگی‌ها و عناصر مرتبط با فرهنگ ذکر شده و تقریباً دو واژه معادل هم قرار داده شده است. این معادل بودن واژه‌ها باعث شده است که به نظر گروهی فرهنگ و تمدن یکی انگاشته شده و در زیرمجموعه‌های آن تمدن را به شکل

کلی به دو صورت تمدن مادی و تمدن معنوی تقسیم کنند. مادی دانستن بخشی از عناصر تمدنی این ذهنیت را ایجاد می‌کند که اگر فرهنگ مجموعه ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی انسان است، در این صورت تمدن اندوخته‌های مادی است (رفیع، ۱۳۷۴: ۲۶۸).

نامشخص بودن مرز دقیق این دو کلمه باعث اشتباهاتی در کاربرد آنها شده است و در بیشتر موارد به جای هم استفاده شده‌اند اما حتی کسانی هم که این دو را از هم متمایز دانسته‌اند، به ارتباط تنگاتنگی که میان آنها برقرار است اذعان داشته و آن دو را لازم و ملزوم همدیگر دانسته‌اند، چنان که به نظر متفکرانی مانند «نوربرت الیاس و امانوئل کانت، هیچ تمدنی بدون علم و فن و هنر نمی‌تواند به عرصه ظهور برسد... آنها بافرهنگ شدن را خصوصیت یک انسان متمدن دانسته‌اند» (سلیمی، ۱۳۷۹: ۸).

با کنکاش در محدوده مشخص شده قبلی و بررسی مؤلفه‌های فرهنگ و تمدن می‌توان کلیتی مشخص از هر دو را در ذهن تصور کرد. این تصور ذهنی با رویکردی امروزی و کاربرد کلمات در ادبیات محاوره‌ای و عامیانه و حتی در تعابیر و اصطلاحات مردم‌شناسانه و اجتماعی بدین گونه تفسیر می‌شود که تمدن شکل کلی و گسترده‌ی رویدادهایی است که در زیرمجموعه خود، فرهنگ را زیر بال و پر خود گرفته است، بدین معنی که گاهی برای محدوده واژه‌ها از اصطلاحاتی مانند تمدن ماد، تمدن هخامنشی، تمدن دوره سامانی استفاده می‌شود ولی زمانی که درباره فرهنگ‌ها صحبت می‌شود تعابیر فرهنگ کردی، فرهنگ لری، فرهنگ گیلکی و... (انصاری، ۱۳۸۷: ۱۷) به کار می‌رود.

گرچه با این توضیحات هم‌خوانی و همپوشانی و تفاوت و تضادهای فرهنگ و تمدن تا اندازه‌ای آشکار شد، اما به دلیل گسترش حوزه واژه‌ها در علوم انسانی، هنوز هم نتیجه‌ای همه‌پسند در تعاریف این دو واژه اعلام نشده است و در سطحی بالاتر هنوز هم دانشمندان درباره مضامین فرهنگ و تمدن تعریف‌های جدیدی ارائه می‌دهند، این تلاش‌ها نه تنها هنوز پایان نگرفته است بلکه به‌صورت تلاشی جهانی (مکی، ۱۳۸۳: ۲۳) برای پایان دادن به این مناقشه ادامه دارد. امید است تا قبل از انتشار این کتاب به نتیجه‌ای همگانی دست یابند!

با بررسی تعدادی از تعاریف مطرح جهانی از دو واژه فرهنگ و تمدن، این نتیجه

به دست آمد که هر دو واژه برای انسان و اجتماع قابلیت و کاربرد داشته و هیچ جامعه‌ای بدون این دو خصیصه نمود پیدا نمی‌کند. همچنین مشخص شد که تمدن کلیتی اجتماعی است که مختص یک دوره خاص تاریخی بوده و فرهنگ به رفتارهای مردمان یک اجتماع بستگی دارد.

از بررسی هر دو واژه و شباهت‌ها و تفاوت‌های آن به این نتیجه می‌رسیم که در جوامع انسانی عناصری از قبیل دین، ادبیات، هنر، معماری و آداب و رسوم، بدون توجه به مسائل سیاسی و اقتصادی و فارغ از دستورات شاه یا حاکم در بطن اجتماع جریان دارند که برای همه‌ی افراد یک گروه خاص، در یک دوره تاریخی خاص پذیرفتنی بوده و هر کدام از آنها مشخصه فرهنگی آن عنصر را پذیرفته‌اند. بنابراین با فاصله گرفتن از دربار و شاهان به بررسی عناصر فرهنگی در ادوار مختلف تاریخی ایران می‌پردازیم. برای اینکه در برداشتی فوری متوجه عناصر فرهنگی بشویم باید گفته شود که فرهنگ متعلق به فرد نیست بلکه متعلق به اجتماع و گروه‌ها و طبقات بوده و شامل رفتارهایی است که در برابر عوامل درونی و بیرونی و برای انجام آسایش و آرامش - خارج از اقتصاد - رخ می‌دهد.

خود آزمایی

۱. کدام مورد از معانی فرهنگ مطابق شاهنامه فردوسی نیست؟
 الف) حکمت
 ب) دانش
 ج) هنر
 د) ادب
۲. کدام اندیشمند معتقد به اکتسابی بودن فرهنگ است؟
 الف) تایلر
 ب) بروس کوئن
 ج) هیلر
 د) کانت
۳. کدام گزینه صحیح است؟
 الف) ملت‌ها از فرهنگ‌ها کوچک‌تر هستند.
 ب) فرهنگ شامل حوزه سیاسی و اقتصادی است.
 ج) برای هر کشوری می‌توان یک فرهنگ پذیرفته شده را شناسایی کرد.
 د) تمدن از فرهنگ گسترده‌تر است.

۴. این تعریف درباره تمدن از کیست؟ «مجموع مختلط پدیدارهای اجتماعی با طبیعت و مشترک برای همه قسمت‌های جامعه‌ای وسیع است».
- الف) ویل دورانت
ب) نوربرت الیاس
ج) لالاند
د) متفکران غربی

فصل دوم

تاریخ و فرهنگ ایران در پیش از تاریخ و دوران اساطیری

اهداف کلی

آشنایی دانشجو با:

۱. تعریف اسطوره، حماسه و افسانه
۲. آشنایی با دوره قبل از تاریخ ایران و تمدن‌های آغازین ایرانی
۳. آشنایی با فرهنگ‌های مجزا و منفک و تأثیرات احتمالی فرهنگ‌ها در همدیگر
۴. آشنایی با دوره اساطیری ایران و سلسله‌های پیشدادی و کیانی

اهداف یادگیری

دانشجو پس از مطالعه این فصل می‌تواند:

۱. با فرهنگ‌ها و تمدن‌های پیش از تاریخ ایران آشنا شود.
۲. تقسیم‌بندی مشخصی از تاریخ ایران در دوره‌های اساطیری را بداند.
۳. تعریف اسطوره، حماسه و افسانه را بداند.
۴. با خصوصیات فرهنگی ایران در دوره پیش از تاریخ و اساطیری آشنا شود.
۵. ریشه‌های معنایی و ارتباط بعضی از اسامی فعلی با شاهان و شخصیت‌های اساطیری را بداند.

۲-۱ تاریخ و فرهنگ ایران در پیش از تاریخ

به همه‌ی ادوار قبل از استفاده از خط، دوران پیش از تاریخ گفته می‌شود. گرچه دوران پیش از تاریخ بسیار طولانی و آغاز آن نامشخص است اما اواخر آن دوران در بین‌النهرین، همزمان با سومری‌ها و در ایران در مرحله‌ای از حکومت ایلامی‌ها به پایان می‌رسد. در این دوران طولانی صحبت کردن از این که همه انسان‌ها در تمام جوامع چگونه زندگی کرده‌اند و آداب و رسوم و فرهنگ و تمدنشان چگونه بوده است مبتنی بر احتمالاتی است که نزدیک به کل آن فرضیات است و حداقلی هم که باقی می‌ماند نیز خالی از احتمال نخواهد بود. با این حال لازم است گفته شود که منابع باستان‌شناسی بر اساس یافته‌هایی از نقاط مختلف بخش‌هایی از این دوران تاریک را مشخص کرده‌اند.

باستان‌شناسان برای راه‌یابی به جهان‌های ناشناخته، دوران‌های پیش از تاریخ را به سه دوره یا عصر؛ حجر، مفرغ و آهن تقسیم‌بندی کرده‌اند. این تقسیم‌بندی بر اساس مواد پایدار و متفاوتی انجام گرفته است که انسان‌های آن دوره‌ها برای ساخت اشیاء مختلف از آنها استفاده کرده‌اند:

- **عصر سنگ:** عصر سنگ یا حجر که طولانی‌ترین دوره پیش از تاریخ است خود به سه دوره تقسیم شده است. این سه دوره عبارتند از؛ پارینه سنگی، میانه سنگی، نو سنگی.

• **پارینه سنگی^۱:** به دوره‌ای از کاربرد سنگ توسط انسان گفته می‌شود که از قدیمی‌ترین زمان‌های استفاده از سنگ تا حدود یکصد هزار سال پیش را شامل می‌شود. در این دوره که به‌عنوان زمان احتمالی سکونت انسان در ایران در نظر گرفته می‌شود. برای اولین بار از سنگ آن هم به‌صورت ادوات ساده و ابتدایی استفاده می‌شد (ملک شه‌میرزادی، ۱۳۷۵: ۱۸۷). انسان‌های موجود در آن عصر به انسان‌های نئاندرتال^۲ مشهور بودند. آثار و بقایای متعلق به عصر پارینه سنگی در غارهای کمر بند در نزدیکی بوشهر و مهارلو کشف شده است (انصاری، ۱۳۸۷: ۳۸) به دلیل سکونت انسان‌ها در غار و استفاده مداوم از این سرپناه طبیعی، آن دوره به عصر غارنشینی نیز مشهور است.

1. Paleolithic

2. Neanderthal

در این دوره از فرهنگ ایران، برای اولین بار زنان، کشاورزی را تجربه کردند. (گیرشمن، ۱۳۷۴: ۱۱). صنعتی که با تکامل آن در دوره‌های بعد زندگی انسان‌ها را دگرگون ساخت. در این دوره همچنین زنان دارای مقام روحانیت و ناقل خون قبیله و زنجیر اتصال خانواده بودند (همان) وظایفی که احتمالاً فقط در همان دوران‌ها وجود داشت و پس از آن در دوره‌های تاریخی تکرار نشد.

• **میانه سنگی^۱:** آثار این دوره که در برخی منابع به‌عنوان بخشی از عصر حجر قدیم و در فاصله حدود یکصد هزار سال قبل تا حدود چهل هزار سال قبل (ملک شه‌میرزادی، ۱۳۷۵: ۱۸۸) تداوم داشته است در مناطق رشته جبال زاگرس و در نواحی آذربایجان، کردستان و لرستان و در یک محل در مازندران و یک محل در خراسان شناسایی شده است (همان)، اما به علت محدودیت آثار یافت شده طرز زندگی انسان‌ها و اجتماعات مشخص نشده است. بر اساس قرائن می‌توان گفت که اشیاء سنگی به نسبت دوره قبلی تکامل یافته است. جدا از غارها، برای اولین بار آثاری از تپه‌ها هم به‌دست آمده است که نشانه تغییر محل زندگی از غارها به نقاط دیگر است.

• **نوسنگی^۲:** درباره محدوده زمانی دوران نوسنگی بین باستان‌شناسان اختلاف وجود دارد. در جایی که انصاری آن دوره را از حدود پنج هزار سال تا ۴۲۰۰ ق. م می‌داند (انصاری، ۱۳۸۷: ۳۸) به نظر نویسندگان تاریخ باستان ایران، این دوره از حدود ۹۵۰۰ ق. م تا ۵۲۵۰ ق. م طول کشیده است (حریریان و دیگران، ۱۳۸۰: ۴۴-۳۶). در این دوره که نویسندگان فوق آن را «دوره گردآوری خوراک» نامیده‌اند، ابزارهای متنوع‌تری از سنگ ساخته شد. با اهلی کردن حیوانات و کشت گیاهان غذا تولید شد و همچنین یکجانشینی در مقابل جابه‌جایی مکرر مکان زندگی رواج یافت و نیز در این دوره برای اولین بار سفال توسط انسان‌ها ساخته شد (همان، ۳۳). نمونه محل‌های مربوط به دوره نوسنگی ایران عبارتند از: غار بیستون، تپه آسیاب در نزدیکی کرمانشاه، تپه گوران در دره مولیان نزدیک کرمانشاه، تپه گنج‌دره در کنار راه هرسین به کرمانشاه، تپه علی کش در ۱۰۰ کیلومتری دزفول، تپه حاجی فیروز در دره سلدوز در جنوب دریاچه ارومیه، تپه سنگ چخماق در شمال شاهرود، تپه سیلک در کاشان، تپه زاغه در دشت قزوین، گودین تپه در نزدیکی کنگاور، یاریم تپه در جنوب گنبدکائوس (ملک

1. Mesolithic

2. Neolithic